

جایگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کتابت نخستین قرآن

مصطفی لعل شاطری

با طلوع اسلام و ظهور کلام وحی که خداوند توسط جبرئیل بر پیامبر نازل کرده بود، مسلمانان صدر اسلام را بر آن داشت تا در صدد حفظ و ثبت قرآن بآیند و با توجه به اینکه حافظه اعراب در این کار قوی بود، اما نیاز به ثبت و ضبط هر حرف و هجای قرآن و انتقال دقیق آن به نسل‌های بعد، اتکا به هر چیز خطا پذیری چون حافظه انسان را ناممکن می‌ساخت. این امر موجب شد مردم آن زمان به سمت ایجاد تحول و دگرگونی در خط بپردازند تا ثبت نوشتاری وحی چنان حظ وافری برای چشم فراهم سازد که ثبت حافظه‌ای آن در هنگام قرائت و تلاوت آیات، برای گوش فراهم می‌آورد. از این رو، هنر کتابت در میان دیگر هنرهای اسلامی از آنجا که کلام وحی را در برابر دیدگان نموداری می‌سازد و در برگیرنده محتوا و مفاهیم والای دین مبین اسلام است، از شاخص‌ترین و شریف‌ترین هنرهای اسلامی به‌شمار می‌آید [۱].

قرآن‌های مادر

در ابتدای اسلام، خط موجود در بین مردم مکه خطی است که به آن «خط مکی» می‌گویند و با هجرت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به مدینه منوره، خط قرآن به شیوه‌ای نوشته شده که «خط مدنی» گفته می‌شود. خط مکی و مدنی با حجازی، خطی است که به خط نسخ که بعدها توسط «ابن بواب» در قرن پنجم رواج پیدا کرد نزدیک است. شیوه خط مکی و مدنی با حجازی، خط «نسخ نرم» نامیده می‌شود و به زمان پیامبر اکرم و پیش از پیدایش و رونق شهر کوفه مربوط است. این خط پس از این تاریخ به سرعت از رونق افتاد و متروک گردید. شهر کوفه در سال ۱۷ق. در زمان خلیفه اول تأسیس گردید و در زمان خلافت حضرت علی (علیه‌السلام) به‌عنوان

پایتخت انتخاب شد. در صدر اسلام، این شهر مرکز دانش و کتابت بود و بیشترین نویسندگان و کسانی که به خواندن و نوشتن آشنا بودند، از این شهر برخاستند. کوفیان خط عربی را به شیوه‌ای خاص می‌نوشتند و آن را به صورتی وسیع منتشر کردند تا جایی که خط عربی صدر اسلام را اصطلاحاً خط کوفی می‌گویند. با این حال، در زمان خلیفه سوم، با نظارت امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) چندین قرآن نوشته شد و به بلاد اسلام همچون: مدینه، کوفه، بصره و شام فرستادند. این قرآن‌ها به‌عنوان «قرآن مادر» تلقی می‌گردید و کاتبان از روی این قرآن‌ها کتابت می‌کردند [۲].

نخستین کاتب

قدیمی‌ترین قرآن‌ها به خط کوفی است و خط کوفی صدر اسلام که منسوب به کوفه است خطی ساده، بدون نقطه و اعراب است که نزدیک به چهل سال در شهرهای اسلامی، رواج داشته است. اما باید دانست آنگاه که آیات ربانی بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل می‌گردید، آن حضرت، آن‌ها را برای یاران مؤمن خویش تلاوت می‌فرمودند و حافظان و کاتبان وحی نسبت به حفظ و کتابت آن‌ها، اهمیتی بلیغ داشتند. در تفسیر علی بن ابراهیم و همچنین در الفهرست و تاریخ القرآن زنجانی، آمده است، حضرت نبی اکرم از حضرت علی (علیه‌السلام) خواستند تا قرآن را گردآوری کند و آن حضرت هم بنا بر همان وصیت، قسم یاد کرد که عبا بر دوش نیفتد مگر برای نماز، تا اینکه قرآن را گردآوری کند و چنان کردند و آن اول مصحفی بوده که گردآوری شد. همچنین حضرت علی (علیه‌السلام)، دستورهای

جامعی، در مورد چگونگی کتابت قرآن و رهنمودها و قواعدی را در باب چگونگی کتابت قرآن وضع فرموده‌اند که از مهارت و تسلط بی‌مانند ایشان بر هنر کتابت حکایت دارد. در موزه‌های مختلف جهان از جمله در گنجینه‌های قرآن و نفایس آستان قدس رضوی، موزه ایران باستان و موزه «روضه حیدریه» نجف اشرف، مصاحفی به خط کوفی نگاهداری می‌شود که کتابت آن‌ها، منسوب به آن حضرت است [۳].

نخستین اعراب و نقطه گذاری

تا سال ۶۷ق. در قرآن هیچ‌گونه نشانه گذاری وجود نداشت تا اینکه در این سال نقطه گذاری و اعراب توسط «ابوالاسود دولتی» (متوفی ۶۹ق) رایج شد. او، این شیوه را از حضرت علی (علیه‌السلام) آموخته بود. ابوالاسود، برای نشانه گذاری فتحه، ضمه و کسره نقطه را انتخاب کرد که بارنگی متفاوت با خط قرآن نوشته می‌شد. بدین ترتیب، برای فتحه یک نقطه بالای حرف و برای کسره یک نقطه در زیر و برای ضمه یک نقطه در وسط یا در جلوی حرف قرار می‌دادند و «دو نقطه» علامت تنوین بود. بعدها شاگردان وی یحیی و نصر، کار استاد را با نقطه گذاری حروف متشابه دنبال کردند. نقطه‌های حرکات و اعراب را با رنگ سرخ و نقطه حروف متشابه را با رنگ دیگر می‌نوشتند، البته در سرزمین‌های مختلف رنگ‌های متفاوتی استفاده می‌شد. مردم اندلس در کتابت قرآن، چهار رنگ به‌کار می‌بردند. این روش تا سال ۱۷۵ق. ادامه داشت، در عهد خلافت ابوالعباس سفاح، «خلیل بن احمد» نقطه‌های اعراب ابوالاسود را به نشانه تبدیل نموده و همچنین وی توانست همزه، تشدید و تنوین را وضع نماید [۴].

نصایح فنی و هنری امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)

بدون هیچ تردیدی، «قلم و قوف» حضرت علی (علیه‌السلام)، همان «قلم معجز نگار» است که ابواب شهر علم را بر همگان گشود و کلام وحی را نه بر پوست آهو، بلکه بر دل نگاشت، همچنان که انگیزه اصلی این نخستین نگارش جامع وحی، وصیت اکید نبی مکرم اسلام بود و تکلیف و مسئولیتی عظیم بر مولود کعبه، زیرا در وصیت، نبی اسلام شده بود: «ای علی، قرآن نزد من در صحیفه‌ها و حریر و کاغذها نوشته شده، آن‌ها را بگیر و همه را منسجم کن و مبادا، چنان که بیهود تورات را ضایع گذاشتند شما نیز قرآن را ضایع گذاری» [۵]. از این رو، درباره نقش و تأثیر حضرت علی (علیه‌السلام) در کتابت مصحف جمال در قلمرو هستی، «مولانا مجنون هروی» در «آداب المشق» خط خویش سروده است:

اول که ز جمله بر سر آمد
شد بر همه، چون الف سر آمد
سرورم، ولی والی
در بای کرم، علی عالی
گر خامه، نه بر ورق نهادی
ترتیب کلام حق که دادی؟

افزون بر این، در سایر منابع، مطالبی در خصوص چگونگی شکل‌گیری اعراب و نقطه و ارشادهای حضرت علی (علیه‌السلام) دیده می‌شود، بدین مضمون که ابوالاسود دولتی از بزرگان تابعین و از ملازمین حضرت علی (علیه‌السلام) و شاگردان حضرت در علم نحو و از مردان «کامل رأی و خردمند» بود که چگونگی ضرورت استفاده از نشانه‌ها را برای جلوگیری از اشتباه در تلفظ آیات بخصوص در سرزمین‌های غیر عرب، استفسار کرد و آن حضرت پس از آموزش «باب‌هایی» در علم نحو به ایشان فرمود: «نبیح هذا النحو یا ایال الاسود...»



و بدین ترتیب، ابوالاسود دؤلی علم نحو را از حضرت علی آموخت و خود به وضع باب‌های دیگری در نحو پرداخت و به قاریان آیات آن را آموخت.

همچنین از حضرت علی (علیه‌السلام) در خصوص چگونگی کتابت آیات و سطر بندی آن‌ها و اندازه قلم کتابت و استفاده از ليقه و تراش قلم و حفظ اصول زیبانویسی، نصایحی سترگ باقی است. در کتاب «نفایس الفنون» آمده است، حضرت تش به وقت تعلیم به عبدالله عباس فرموده است: «ای عبدالله، میان سطرها را باز و گشاده دار و حروف را نزدیک هم و گرد هم بیاور و در تشکیل حروف، مناسبت هر یک و شکل آن‌ها را رعایت کن و حق هر کلمه حرف را چنان که باید ادا نما».

در این حدیث، به چگونگی سطر بندی و فواصل حروف و شکل و مناسبت و جایگاه هر یک در تشکیل سطر و اینکه هر یک از حروف هویت و حقی شایسته دارند که کاتب باید در کتابت هر یک، کمال دقت و تلاش را مبذول دارد و این «سعی» او، نوعی ادای دین کاتب نسبت به حروف و کلمات وحی است، اشاراتی دقیق و آگاهانه شده است. نیز در صفحه‌ای از نهج البلاغه چاپ فیض الاسلام، حدیثی از آن حضرت نقل شده که حاوی نکاتی دیگر است. علی (علیه‌السلام) به کاتبش عبیدالله بن ابورافع فرمود: دوات را ليقه کن و نوک قلم را دراز تراش، ما بین سطور فاصله بگذار و حروف را به هم فشرده کن که

این برای زیبایی خط بهتر است. مبتنی بر این نگاه ژرف هنری حضرت، اعجاب «مولانا کمال الدین جعفر بایسنقری»، استاد بزرگ مکتب هرات و رئیس پروژه هنری شاهنامه بایسنقری (اواسط قرن نهم هجری) در نوع خود ممتاز است، آنجا که جعفر بایسنقری در رساله خطی خود درباره خط آن حضرت می‌نویسد: تا نوبت به حضرت امیرالمؤمنین و امام‌المتقین علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) رسید و آن حضرت آن خط را به مرتبه‌ای رساند که هیچ آفریده بهتر از او و مقابل او ننوشت چه قبل از او و چه بعد از او. این چنین است که از قام و اقلام هنر آفرین و معجزه نظام شاه ولایت، چنان چشم جان عشاق روشن ضمیر را به «کتابت وحی» منور فرمود که استادان کتابت در مدح آن بیان داشتند:

کردی اکثر کتابت مصحف
خط از آن یافت اسم و عز و شرف
آنچنان خط کجاست حد بشر
قلم دیگر است و خط دگر [۵].

▼
**قدیمی‌ترین قرآن‌ها
به خط کوفی است
و خط کوفی
صدر اسلام که
منسوب به کوفه
است خطی ساده،
بدون نقطه و اعراب
است که نزدیک
به چهل سال در
شهرهای اسلامی،
رواج داشته است**

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- کاظمی، سیر تحول کتابت قرآن تا سده هشتم هجری، کتاب ماه هنر: ۴۷.
- ۲- حاج سیدجواد، سیر کتابت قرآن، کتاب ماه هنر: ۲۲.
- ۳- هراتی، هنر کتابت قرآن کریم، رشد آموزش معارف اسلامی: ۵۲.
- ۴- حاج سیدجواد، سیر کتابت قرآن، کتاب ماه هنر: ۲۳.
- ۵- هراتی، علی (علیه‌السلام) و کتابت قرآن، کتاب ماه هنر: ۵۳-۵۴.